



عمود هزار و چهارصد

ماهنامه تسنیم

سری چهل و چهارم

مدرسه علمیه سلام الله علیها شهرستان فارس

مدیر مسئول: الهام زکی زاده

ارزیاب محتوا: گلناج نجفی

سر دبیر: فاطمه حیدری

هیات تحریریه: غزاله علیمردانی

بامحوریت (اربعین حسینی و اهمیت اربعین و کارکردهای سیاسی و فرهنگی و اجتماعی اربعین

هدف از حرکت امام حسین علیه السلام رمز زنده ماندن واقعه ی عاشورا و اربعین حسینی)

ششم شهریور ماه ۱۴۰۲. یازدهم صفر ۱۴۴۵، 28 آگوست ۲۰۲۳



خصوصیت اربعین

اهمیت اربعین از کجاست؟ صرف اینکه چهل روز از شهادت شهید می گذرد، چه خصوصیتی دارد؟ اربعین خصوصیتش به خاطر این است که در اربعین حسینی یاد شهادت حسین زنده شد و این چیز بسیار مهمی است. شما فرض کنید اگر این شهادت عظیم در تاریخ اتفاق می افتاد یعنی حسین بن علی و بقیه شهیدان در کربلا شهید می شدند، اما بنی امیه موفق می شدند همانطور که خود حسین را و یاران عزیزش را از صفحه روزگار برافکنند و جسم پاکشان را در زیر خاک پنهان کردند، یاد آنها را هم از خاطره نسل بشر در آن روز و روزهای بعد محو کنند. ببینید در این صورت آیا این شهادت فایده ای برای عالم اسلام داشت؟ یا اگر هم برای آن روز یک اثری می گذاشت، آیا این خاطره در تاریخ هم، برای نسل های بعد هم، برای گرفتاری ها و سیاهی ها و تاریکی ها و یزیدی های دوران آینده تاریخ هم اثری روشنگر و افشا کننده داشت؟ اگر حسین شهید می شد، اما مردم آن روز و مردم نسل های بعد نمی فهمیدند که حسین شهید شده، آیا این خاطره چه اثری و چه نقشی می توانست در رشد و سازندگی و هدایت و برانگیزاندگی ملت ها و اجتماعات و تاریخ بگذارد؟ می بینید که هیچ اثری نداشت، بله حسین که شهید می شد، خود او به اعلیٰ علیین رضوان خدا می رسید، شهیدانی که کسی نفهمید و در غربت، در سکوت، در خاموشی شهید شدند، به اجر خودشان در آخرت رسیدند، روح آنها فتوح و گشایش را در درگاه رحمت الهی به دست آورد، اما آیا چقدر درس شدند، چقدر اسوه شدند، درس، آن شهیدی می شود که شهادت او و مظلومیت او را نسل های معاصر و آینده او بدانند و



بشنوند، درس و اسوه آن شهیدی می شود که خون او بجوشد و در تاریخ سرازیر شود، مظلومیت یک ملت آن وقتی می تواند زخم پیکر ستم کشیده شلاق خورده ملت ها را شفا بدهد و مرهم بگذارد که این مظلومیت فریاد بشود، این مظلومیت به گوش انسان های دیگر برسد، برای همین است که امروز ابرقدرت ها صدا توی صدا انداختند که صدای ما بلند نشود، برای همین است که حاضرند پول های گزاف خرج کنند تا دنیا نفهمد که جنگ تحمیلی چرا به وجود آمد، با چه انگیزه ای، با دست که، با تحریک که. آن روز هم دستگاه های استکباری، حاضر بودند هر چه دارند خرج کنند به قیمت این که نام و یاد حسین و خون حسین و شهادت عاشورا مثل درس در مردم آن زمان و ملت های بعد باقی نماند و شناخته نشود. البته در اوائل کار درست نمی فهمیدند که چقدر مطلب با عظمت است. هر چه بیشتر گذشت، بیشتر فهمیدند.

در اواسط دوران بنی عباس حتی قبر حسین بن علی علیه السلام را ویران کردند، آب انداختند، خواستند از او هیچ اثری باقی نماند. نقش یاد و خاطره شهیدان و شهادت این است، شهادت بدون خاطره، بدون یاد، بدون جوشش خون شهید، اثر خودش را نمی بخشد و اربعین آن روزی است که برافراشته شدن پرچم پیام شهادت کربلا در آن روز آغاز شد و روز بازماندگان شهادت است. حالا چه در اربعین اول، خانواده امام حسین علیه السلام به کربلا آمده باشند و چه نیامده باشند.

اما اربعین اول آن روزی است که برای اولین بار زائران شناخته شده حسین بن علی به کربلا آمدند؛ جابر بن عبدالله انصاری است و عطیه از اصحاب پیغمبر، از یاران امیر المومنین آمدند آن جا و جابر بن عبدالله حتی نایب بود - آن طور که در نوشته ها و اخبار هست - و دستش را عطیه گرفت و برد روی قبر حسین بن علی گذاشت و او قبر را لمس کرد و گریه کرد و با حسین بن علی علیه السلام



اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی علیه السلام در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسل های بعد، از دستاورد شهادت استفاده ی زیادی نخواهند برد. درست است که خدای متعال، شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه می دارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است؛ اما ابزار طبیعی یی که خدای متعال برای این کار - مثل همه ی کارها - قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده ی ماست. ما هستیم که با تصمیم درست و بجای، می توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه ی شهادت را احیا کنیم و زنده نگهداریم.

رمز زنده ماندن واقعه ی عاشورا

اگر زینب کبری سلام الله علیها و امام سجّاد صلوات الله علیه در طول آن روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سالهای متممادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه ی عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی کردند، واقعه ی عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی ماند.

چرا امام صادق علیه الصّلاة والسلام - طبق روایت - فرمودند که هر کس یک بیت شعر درباره ی حادثه ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت بر او واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاههای تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگهداشتن

حرف زد و با آمدن خود و با سخن گفتن خود خاطره حسین بن علی را زنده کرد و سنت زیارت قبر شهداء را پایه گذاری کرد. یک چنین روزمهمی است روز اربعین.

هدف از حرکت امام حسین علیه السلام

حرکت امام حسین علیه السلام برای اقامه حق و عدل بود. «انما خرجت لطلب الإصلاح فی امة جدتی ارید ان امر بالمعروف وانهی عن المنکر [1]» ...

در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، می خوانیم: «و منح النّصح و بذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الصّلالة». «آن حضرت در بین راه، حدیث معروفی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده اند، بیان می فرمایند: «ایها الناس ان رسول الله صلی الله علیه و اله و سلّم قال: من رأى سلطانا جائراً مستحلاً لحرم الله ناکثاً لهدی الله مخالفا لسنة رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم یعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم ینیر علیه بفعل و لاقول کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله [2]» تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره ی آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می کند که غرض، اقامه ی حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است. غرض، ادامه ی راه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیامبران بوده است که: «یا وارث ادم صفوة الله یا وارث نوح نبی الله [3]» ... و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لیقوم الناس بالقسط». اقامه ی قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.

اهمیت اربعین



حتی افراد معدودی از آدمهای ساده دل و جاهل و نیز انسان های موجه و غیر موجّهی در کشور خودمان هم، در آن فضای ملتهد جنگ، گاهی حرف هایی می زدند که ناشی از ندانستن و عدم احاطه به حقایق بود. همین چیزها بود که امام عزیز را برمی آشفته و وادار می کرد که با آن فریاد ملکوتی، حقایق را با صراحت بیان کند. اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، به عکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته ها و بافته ها و یاوه گوییهای تبلیغات جهانی، بکلی سلب شده است.

دستگاه ظالم جبار یزیدی با تبلیغات خود، حسین بن علی علیه السلام را محکوم می ساخت و وانمود می کرد که حسین بن علی علیه السلام کسی بود که بر ضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است!! بعضی هم، این تبلیغات دروغ را باور می کردند. بعد هم که حسین بن علی علیه السلام، با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله ی دژخیمان در صحرای کربلا به شهادت رسید، آن را یک غلبه و فتح وانمود می کردند! اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته ها را عوض کرد. حق، این گونه است.

از بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی ۲۹/۰۶/۶۸ [4]

مسأله ی عاشورا و کلاً مسأله ی اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرتهای ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت آمیز می کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه ی عاشورا - که با این عظمت در بیابانی در گوشه یی از دنیای اسلام اتفاق افتاده - با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاشها، از بین می رفت. آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی علیه السلام بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی علیه السلام و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب علیها السلام و مجاهدت امام سجاد علیه السلام و بقیه ی بزرگواران، دشوار بود. البته صحنه آنها، صحنه ی نظامی نبود؛ بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته ها باید توجه کنیم.

درس اربعین

درسی که اربعین به ما می دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگهداشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چه قدر پر حجم بوده است. چه تبلیغات و طوفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگترین سرمایه شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه کردند و مستقیم و غیرمستقیم، با رادیوها و روزنامه ها و مجله ها و کتاب هایی که منتشر می کردند، در ذهن آدم های ساده لوح در همه جای دنیا، چه تلقینی توانستند بکنند.



کارکردهای سیاسی اربعین

الف) اقتدارآفرینی در سایه وحدت: راهپیمایی اربعین موجب اقتدار شیعیان و دیگر مسلمانان در برابر دشمنان به‌ویژه جریان‌های تکفیری خصوصاً داعش می‌شود. بی‌تردید مهم‌ترین کارکرد سیاسی اربعین حسینی در مقطع کنونی و با توجه به گسترش گروه‌های سلفی - تکفیری در کشورهای منطقه، بسیج سیاسی شیعیان است که راهپیمایی بیست میلیون نفری اربعین را به مصداق قدرت بسیج جهان اسلام تبدیل کرده است؛ به بیان دیگر اربعین حسینی تبیین هویت جمعی شیعه و کاربرد مناسک مذهبی به عنوان منابع قدرت و فعال شدن آن از نظر سیاسی است. مهم‌ترین پیام سیاسی بزرگ‌ترین تجمع دینی جهان، وحدت امت اسلامی در سایه محبت و ارادت به خاندان مطهر اهل بیت: است؛ چراکه تمام مذاهب اسلامی به محبت اهل بیت: اعتقاد دارند و همین می‌تواند محور وحدت اسلامی باشد. توجه به شعارهای مردمی نشان می‌دهد که آزادگی، عزت‌طلبی و ذلت‌گریزی با ماهیت راهپیمایی اربعین پیوند خورده است. لذا این گردهمایی عظیم که به واقع «رستاخیز حسینی» است، رسالت ملی و مذهبی مبتنی بر حفظ سرزمین از اشغال بیگانه و گروه‌های سلفی - تکفیری را گوشزد می‌کند. حضور مردمی در اربعین نشان می‌دهد که مکتب حسینی، قابلیت و قدرت بسیاری برای بسیج کردن مردم دارد.

نتیجه آنکه مراسم اربعین، افزایش قدرت نرم تشیع، امنیت‌سازی و ارتقای وحدت ملی در عراق را در پی داشته است. از این رو گروه‌های سلفی - تکفیری در برابر این رویداد پراهمیت موضع گرفته و به آن واکنش نشان داده‌اند. راهپیمایی اربعین به عنوان یکی

از مناسک دینی به بسیج سیاسی - اجتماعی منجر می‌شود؛ بسیجی که ابعاد آن اساساً جهان‌شمول و فرامذهبی است. بدین ترتیب مهم‌ترین نتیجه آن ارائه تصویری حقیقی از شیعه در سپهر عمومی جهان اسلام و همچنین تمام عرصه جهانی است.

ب) نمایش امنیت عراق: برگزاری راهپیمایی صلح‌آمیز اربعین، نمایش امنیت عراق و ضربه نمادین همزمان به گروه تروریستی داعش و ایالات متحده آمریکا است که یکی در پی ناامن‌سازی عراق است و دیگری ایجاد امنیت در عراق را بدون حضور خود ناممکن می‌داند. این قدرت نرم شیعیان است که بدون فرقه‌گرایی، با حضور مسالمت‌آمیز خود در مراسم عاشورا و اربعین، بر وحدت و همبستگی ملی در عراق صحنه می‌گذارند. در واقع همان‌طور که پیام عاشورا و اربعین ماهیتی فرامذهبی و جهان‌شمول دارد، پیام‌های سیاسی راهپیمایی اربعین نیز قالب‌های فرقه‌گرایانه را شکسته و پیام‌آور صلح، همبستگی و همکاری است.

ج) وحدت بخشی به جهان اسلام: عبادات و فرایض، افزون بر جنبه فردی و تأثیری که در دگرگونی روحی، فکری، اخلاقی و رفتاری افراد بر جای می‌نهند، به نوعی با مسائل اجتماعی و حقوق جمعی نیز در ارتباط‌اند. اربعین در این میان از جمله مناسک و آیین‌های اجتماعی است که به رغم ماهیت درون‌مذهبی‌اش، به دلیل فرادینی و فراملیتی بودن قیام عاشورا، ظرفیت‌های بسیاری را برای زمینه‌سازی تحقق امت واحد اسلامی دارد.

پیاده‌روی و برگزاری آیین اربعین صرفاً حرکتی شیعی و ایرانی نیست؛ بلکه نقطه عطف وحدت میان همه مسلمانان و ایجاد وفاق در جهان اسلام است. اربعین با توجه به کارکردهایی که دارد و وفاقی که در جهان اسلام ایجاد می‌کند، در راستای پیش‌تمدنی امام خمینی = است؛ چنان که ایشان فرمودند: «راه قدس از کربلا می‌گذرد» و این وحدت و همدلی، اقدامی در مقابل تمدن غرب و در راستای رسیدن به آرمان‌های اسلامی است.



نتیجه اینکه هم‌گرایی اسلامی از دیگر کارکردهای آیین‌های عاشورایی است که در ادبیات حسینی، اصلاح امت نبوی نام گرفته است. هم‌سویی این آیین‌ها با غرض امام حسین ۷ که حفظ جامعه اسلامی بود، نمی‌تواند از نظرها دور نگه داشته شود؛ چنان که امام حسن ۷ با همین رویکرد به تدبیر امور سیاسی - اجتماعی پرداخت.

گفتنی است که از محورهای اصلی فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی شبکه بین‌المللی نظام سلطه، تلاش برای شیعی جلوه دادن این حرکت، و محدود کردن آن در آرمان یک جمعیت مذهبی محدود است. اما حجم راهپیمایی اربعین و آثار جهانی آن اتکارناشدنی است. حرکت عظیم اربعین به مثابه مانور بزرگ اقتدار مکتب تشیع و دین اسلام است که می‌تواند قدرت و عظمت مسلمانان را به رخ جهانیان بکشد و باعث اتحاد آنان شود.

د) تقویت مناسبات میان ایران و عراق: مراسم شکوهمند اربعین می‌تواند به ترمیم برخی شکاف‌های ارتباطی مثل کدورت‌های ناشی از جنگ میان زائران ایرانی و عراقی و بهبود بیشتر روابط سیاسی این دو کشور مسلمان کمک شایانی داشته باشد. بی‌تردید تقویت و توسعه مناسبات دو کشور آثار و برکات بسیاری را در پی خواهد داشت و نقش شیعیان در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را بارزتر خواهد کرد.

ه) پاسداشت یاد و خاطره امام حسین ۷: از مهم‌ترین کارکردهای آیین اربعین، زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین ۷ و یاران باوفای اوست که در پرتو شناخت فلسفه قیام و شهادت آنان قابل اکتساب است. این آیین‌ها تلاشی برای زنده نگه داشتن هدف امام است و طبعاً بیشترین دغدغه شرکت‌کنندگان و کارگزاران باید یادکرد این مطلب باشد که قیام امام برای چه بود و چرا جان خویش را فدا کرد. اما از دیگر سو، اربعین مبدأ

حرکت جوشنده و تمام‌ناشدنی تبلیغ و ترویج فرهنگ حسینی نیز هست. از اربعین به این سوست که تمام همت و تلاش اهل بیت: و شیعیان و دوستانشان صرف زنده نگه داشتن یاد و خاطره امام حسین ۷ و ورود در مبارزه‌ای فرهنگی علیه نظام ستمکار اموی و پس از آن نظام عباسی و همه نظام‌های ستمگر در طول تاریخ است.

اربعین مقطع پایان یافتن اسارت اهل بیت:، کامل شدن رسالت حضرت زینب ۳ و امام سجاد ۷ در رسوا ساختن یزیدیان و رساندن پیام سرخ امام حسین ۷ به گمراهان کوفی و شامی است. اربعین، پیام پیروزی حق بر باطل و خون بر شمشیر، و آغاز شکل جدیدی از نبرد فرهنگی با طاغوت‌های زمانه است. حادثه عاشورا و بر زمین ریختن خون‌های پاک امام حسین ۷ و یاران قهرمانش، بهترین پشتوانه و سرمایه برای این مبارزه تمام‌ناشدنی و مستمر تا قیام قیامت است.

و) تقویت هویت شیعی: پاسداشت اربعین در میان شیعیان اهل بیت: یکی از برجسته‌ترین عوامل تقویت هویت شیعی است. از اربعین است که هویت شیعی جان و قالبی تازه می‌گیرد و با استمداد از نیروی شگرف عاشورا، ظهور پر قدرتی را در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و نظامی به نمایش می‌گذارد. اربعین، آموزنده این تفکر الهی است که اگر چه باطل - مانند کفی روی آب - ممکن است کوتاه زمانی به جولان و هیجان، افکار عمومی را در دست گیرد و حق طلبان را گرفتار قتل، اسارت و انواع بلاها کند، اما عاقبت نیک و پیروزی از آن حق و حق طلبان خواهد بود.

دستگاه یزید که با تمام توان برای نابودی حرکت عدالت‌خواهانه امام حسین ۷ به میدان آمده بود، در اربعین به شکست خود اعتراف کرد و اهل بیت: را با احترام به سوی مدینه روانه ساخت. از این زمان به بعد شاهد قیام‌ها و حوادثی هستیم که با الهام از قیام امام و یارانش، عرصه را بر حکومت اموی تنگ کرد و آرام آرام زمینه ن ابودی آن را فراهم ساخت. قیام توأبیین، قیام مردم مدینه و قیام مختار بن ابی‌عبید ثقفی در امتداد



همین خط پدید آمد و لرزه بر اندام حکومت جبار اموی انداخت.

شیعه با پاسداشت اربعین، پیروزی امام حسین ۷ و یارانش را فریاد می‌زند. اگر چه در عاشورا در غم شهادت امام و یارانش می‌گرید و از جنابتهایی که بر اهل بیت رفته است مویه می‌کند، اما در اربعین، نتیجه شهادت‌طلبی و جان‌بازی امام و اهل بیتش را به نظاره می‌نشیند. اربعین، شایسته تکریم و بزرگداشت است؛ زیرا اربعین، ثمره عاشورا است و آنچه امام حسین ۷ در عاشورا آغاز کرد، در اربعین به بار می‌نشیند.

(بازخوانی حادثه خونین عاشورا: اربعین اولین نقطه بعد از عاشورا است و به انسان فرصت می‌دهد تا حادثه عاشورا را بازخوانی کند. واقعه کربلا به قدری عظیم است که آن را در روز عاشورا نمی‌توان بررسی کرد. بنابراین برای بازخوانی به ایام دیگری نیاز دارد و مهم‌ترین این ایام، روز اربعین است. پس اربعین نقش یادمانی دارد و در آن فرصت بازخوانی عاشورا به ما داده می‌شود؛ عاشورا یک شور است و همه ما باید در این روز غرق شویم و اشک‌ریزان این روز را تجلیل کنیم. در اربعین به بازخوانی و ارتباط مجدد با امام و هدف اصلی هم‌چنین مبارزه با ظلم از سوی ایشان بپردازیم. ائمه نیز به ما امر کرده‌اند که در روز عاشورا عاشورایی باشیم و تفکر و تجدید بیعت با امام را در اربعین متجلی کنیم.

(ح) جریان ساز بودن اربعین: اربعین حسینی جرقه‌های عاشورایی را شعله‌ور، و آن را به یک جریان تبدیل می‌کند و دعوت به زیارت اربعین و پیاده رفتن در این مسیر، دعوت به همین جریان‌سازی است. آذرخش عاشورا در اربعین به آتشی شعله‌ور تبدیل می‌شود و قطره‌های باران آن، رودخانه اربعین را به وجود می‌آورد؛ رودخانه‌ای که می‌تواند حرکت ایجاد کند و تغییر به وجود آورد. انسان‌هایی که در عاشورا احساس عاشورایی پیدا کردند، امروز باید احساساتشان را به یکدیگر ضمیمه کنند و بفهمند که تعداد عاشوراییان و احساس‌ها و نگاه‌های عاشورایی چقدر زیاد است و این انسان‌ها چقدر

هم‌دل، هم‌رأی و هم‌هدف‌اند؛ یعنی کسی که در مکتب عاشورا تربیت شده است، حالا باید دستاوردهای معرفتی، معنوی، روحی و اخلاقی‌اش را به مشارکت بگذارد. بنابراین نقش جریان‌سازی اربعین مهم است.

(ط) ظرفیت‌سازی: از مهم‌ترین آثار و کارکردهای اربعین، ظرفیت‌سازی است. وقتی بتوانیم فرهنگ عاشورایی را شکل دهیم، ظرفیت‌سازی رخ می‌دهد؛ چراکه انسان عاشورایی از خود خواهد پرسید حال چه باید کرد تا عاشورا امتداد یابد، ایجاد این ظرفیت، برعهده اربعین است. اما متأسفانه از اشکالات اربعین این است که نقطه مرکزی در آن وجود ندارد؛ زیرا این حرکت عظیم باید نقطه توقفی داشته باشد تا همه زائران را در مسیر اصلی قرار دهد؛ چراکه اربعین باید جریان‌های مختلف را در یک قالب جمع کند و آنها در یک جریان بزرگ‌تر قرار دهد.

(ی) نمادسازی: انسان هیچ‌گاه از عاشورا و گریه بر اباعبدالله الحسین ۷ خسته نمی‌شود و با اینکه قرن‌هاست که عاشورا تکرار می‌شود، هرگز کسی از آن احساس تکرار نمی‌کند؛ زیرا عاشورا زمان و زمین و قوم و طایفه نمی‌شناسد. فقط کافی است که شما عاشورا را معرفی کنید؛ درون‌مایه عاشورا به گونه‌ای است که می‌تواند با محیط‌ها و اوضاع مختلف تطبیق یابد؛ چراکه عاشورا حادثه‌ای بزرگ است که هیچ خط مذهبی و

طایفه‌ای در آن وجود ندارد. عاشورا دارای مضمونی بزرگ، بلند و مشترک است که قدرت بازنمایی و نمادسازی‌های متنوع در آن وجود دارد. اکنون سؤال این است که اگر این هسته را بگیریم و آن را توسعه دهیم، آیا اربعین فرصت بزرگی است برای اینکه عاشورا و عاشوراییان یک‌بار به زبان‌ها و کارکردهای گوناگون و برای محیط‌ها و نقش‌های مختلف، الگوسازی کند. البته ما می‌توانیم در این جا، صرف نظر از فرهنگ‌های دیگر، عاشورا را بازنمایی و نمادسازی کنیم،

اما این نماد نماد ایرانی عاشورا خواهد بود؛ در حالی که اربعین فرصتی فراهم می‌کند تا این



کارکردهای اجتماعی اربعین

آیین‌های اجتماعی به حکم کارکردهایی که در زندگی آدمیان دارند، تداوم، گسترش و ماندگاری می‌یابند. در این میان آیین‌های مذهبی چون نقش و کارکرد مؤثرتر و پاسخ‌گوتری دارند، بیش از دیگر سنت‌ها مورد اقبال و توجه مردم واقع می‌شوند. آیین‌های عاشورایی یا حسینی در فرهنگ شیعی از این مقوله است که به حکم کارکرد بنیادین و پاسخ‌گویی به نیازهای فکری - فرهنگی، روز به روز شکوفا تر و گسترده‌تر می‌شود. آیین‌های بزرگداشت اربعین حسینی یکی از آن سنت‌های عاشورایی است که نه فقط در زمان تعریف شده، بلکه در مکان ویژه و به شیوه خاصی در کانون توجه قرار می‌گیرد و هر ساله بر شکوه و عظمت آن افزوده می‌شود؛ به گونه‌ای که بر اساس آماری، شمار افرادی که در سال جاری برای بزرگداشت اربعین در سرزمین کربلا حضور یافتند، حتی از بزرگ‌ترین سنت اسلامی یعنی حج بیت الله الحرام نیز بیشتر بود.

اما به راستی این آیین چه کارکردی دارد یا باید داشته باشد؟

بی‌تردید اربعین حسینی یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین مراسم شیعی است که هم به صورت زنده و پویا در حیات اجتماعی جریان دارد و هم منشأ تحولات و هنجارآفرینی فراوانی در کنش‌های فردی و اجتماعی شده است. البته آنچه مراسم و مناسک را در حیات اجتماعی جامعه شیعی از دیگر جوامع متمایز می‌سازد، نه وجود مراسم و مناسک، بلکه ویژگی‌هایی از قبیل گستردگی، ایجاد تجدید حیات و انسجام اجتماعی، تأثیرگذاری، هنجارآفرینی و نقش‌آفرینی در کنش‌های فردی و اجتماعی و... است. تا آنجا که می‌توان گفت کمتر فعالیت اجتماعی به وسعت مراسم و مناسک دینی در حیات اجتماعی، سیاسی و... ما حضور دارد و

تأثیرگذار است. برگزاری اربعین حسینی به عنوان یکی از

شعائر اسلامی کارکردهای متعددی پیدا می‌کند از

جمله: الگوسازی، تقویت حافظه فرهنگی امت کمک

به ایجاد ارتباط و رفتار جمعی، توسعه هنر مذهبی و...

درون‌مایه با حضور همه کسانی که می‌توانند در این الگوسازی نقش داشته باشند و تعامل کنند، حرکتی ایجاد کند و از درون این تعامل، همه افراد و گروه‌ها برای وضعیت موجود و آینده خودشان، مدل‌سازی و الگوسازی کنند.

از دیگر کارکردهای سیاسی اربعین می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- زنده نگه داشتن و تقویت روح جمعی و نیز استمرار مبارزات ائمه اطهار: در میان امت؛
- گسترش امید و امیدواری در اوضاع سخت و طاقت‌فرسای بحرانی در میان شیعیان؛
- زنده نگه داشتن روحیات حماسی و دلآوری و شجاعت در افراد و رواج و ادامه آن؛
- ترویج روحیه حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و تأکید بر احقاق حق و اجرای عدالت به عنوان مهم‌ترین آرمان شیعه (این کارکرد را از خلال مضمون زیارتنامه‌ها به روشنی می‌توان دریافت)؛

- احیای روحیه انتقام از ستمکاران با تبیین ظلم‌هایی که بر ائمه اطهار: و پیروان آنان در طول تاریخ رفته است؛

- توجه به جامعه و حکومت آرمانی که امام زمان / پس از ظهور خود تشکیل خواهد داد؛

- تقویت خودآگاهی دینی و احساس زندگی در قامت یک امت؛ زمینه‌سازی برای تحقق کنش‌های متعهدانه در راستای تأمین اهداف جهانی اسلام؛

- نمایش طیفی از مشترکات اعتقادی، ارزشی و آرمانی؛ نمایش قدرت عظیم و فروخته توده‌های انسانی مؤمن.



از کارکردهای اجتماعی اربعین می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) انسجام اجتماعی (تقویت روح جمع‌گرایی): امروزه فردگرایی، دیدگاه غالب در جهان است. اما آیین‌هایی مانند اربعین به تقویت روح جمعی کمک شایانی می‌کند. هم‌گرایی افراد جامعه با یکدیگر، از دیگر کارکردهای آیین‌هاست که بیش از هر سنت دیگری تأثیرگذار است. از این رو نباید به ضد خود مبدل شده و مایه تفرق و دشمنی و ناسامانی اجتماعی شود. نقش تلائمی آیین‌ها از کارکردهای اساسی در جوامع اند.

ب) تألیف قلوب و تقویت روح اخوت: همدلی در پرتو ذوب انانیت‌ها و لغو همه تمایزات (قومی، ملی، شغلی، تحصیلی و...) و حذف همه مرزها و فاصله‌ها، از دیگر کارکردهای اجتماعی اربعین است. البته اربعین کارکردها و آثار پنهان و آشکار فراوانی دارد که یکی از آثار آشکار آن، ایجاد الفت بین افراد است.

ج) تقویت ارتباطات و مناسبات انسانی: چنین ارتباطاتی که بر پایه محبت، صمیمیت، تلافی، ایثار، انفاق و تعاون انجام می‌گیرد نیز جزو کارکردهای اجتماعی اربعین است. د) الگوسازی: یکی از کارکردهای بسیار مؤثر هیئت‌های مذهبی، الگوسازی مبتنی بر دین‌باوری و رعایت هنجارها، ارزش‌ها و اخلاقیات است. افراد با حضور در دسته‌جات، تکایا و حسینیه‌ها و استماع احادیث و درس‌های اخلاقی و گوش دادن به آیات الهی و اشعار مداحان در مدح و ثنای اهل بیت: به صورت علمی و کاربردی (تعلیم و تربیت)، به فرهنگی راه می‌برند که مبنای آن رعایت معنویات، اخلاقیات، اصول و مبانی انسانی، خودشناسی و خداشناسی است. این کارکرد، انسان را برای رسیدن به هویت مذهبی و حیات دینی کمک می‌کند.

ه) تربیت اخلاقی: اخلاق اجتماعی از کارکردهای دیگر راهپیمایی اربعین است و خیرات و صدقات از مظاهر آن محسوب می‌شود. بنابراین طبق آیه قرآن، به پا داشتن شعائر الهی و اخلاقیات اجتماعی، تقوای قلب و باورهای معنوی را در دل انسان‌ها نهادینه می‌کند.

و) جهان‌اندیشی: در بند مسائل جزئی نبودن از کارکردهای راهپیمایی اربعین است؛ چنان که طبق تنها گزارش غربی از اربعین در یکی از خبرگزاری‌های کشور آلمان، در این راهپیمایی، اغلب مذاهب اسلامی و ادیان مختلف اعم از مسیحی، صابئی، ایزدی و از شصت کشور حضور داشته‌اند؛ زیرا سیدالشهدا ۷ با همه مسلمانان و حتی ادیان الهی پیوند دارد؛ چرا که سالار شهیدان ۷ میراث‌بر قرآن، تورات، انجیل، زبور و دیگر ادیان آسمانی است.

ز) تعالی جویی و فضیلت‌طلبی: یکی دیگر از کارکردهای مراسم اربعین، مساعدت، بسترسازی و کمک به انسان‌ها برای تعالی جویی و فضیلت‌طلبی است. در این نهاد مذهبی که ملاک تفوق و برتری، صرفاً عشق و علاقه به اهل بیت: و رعایت شرع مقدس اسلام و دستورهای الهی است، افراد در کنار هم جمع شده، با فعالیت‌های خداپسندانه تلاش می‌کنند تا مسیر تعالی را بیمایند.

ح) کنترل غیر مستقیم انسان‌ها: از دیگر کارکردهای اجتماعی مؤثر اربعین کنترل غیر مستقیم جامعه و افزایش حال و هوای معنوی است. در بررسی‌ها نشان می‌دهد که در ایام و مناسبت‌های اسلامی، به خصوص در ماه‌های محرم، صفر و رمضان، انسان‌ها کمتر دچار وسوسه هوای نفس می‌شوند. حتی بزه‌کاران و مجرمین نیز بعضاً در این ایام از فعالیت‌های غیراخلاقی و انحراف‌آمیز خود می‌کاهند و به سوی معنویات روی می‌آورند.



کارکردهای فرهنگی اربعین

الف) اربعین پدیده کلان فرهنگی: پیاده‌روی اربعین حسینی، پدیده‌ای است که نمی‌توان آن را از نظام فرهنگی جدا دانست. در پیاده‌روی اربعین، امت اسلامی، حرکتی فرهنگی را به نمایش می‌گذارد. این پیاده‌روی، پیام‌های زیادی دارد. در این حرکت افراد با سن‌های متفاوت و با فرهنگ‌های مختلف، هدفی مشترک دارند. پیاده‌روی اربعین نشان می‌دهد که چطور می‌توان با حرکت فرهنگی، که ذات مخلصانه و خالصانه دارد، موانع سیاسی را از بین برد و بین ملت‌ها پیوند ایجاد کرد. در اربعین حسینی، همه افراد در پیاده‌روی اربعین با نگاه الهی حرکت می‌کنند و این حرکت باعث دوستی بین ما و مردم عراق شده است. این اثر، حماسه حسینی بعد از سال هاست. نباید از نظر دور داشت که راهپیمایی ایام اربعین در عراق، در حال تبدیل شدن به یک پدیده کلان فرهنگی و تمدنی در مقیاس جهان اسلام و بلکه دنیای امروز است. این راهپیمایی، نه یک راهپیمایی به سمت کربلا، بلکه همایش بزرگ انسانی، اخلاقی و فرهنگی است که حقایق بکر و پنهان آن بسیار فراتر از جلوه‌های ظاهری‌اش است. صحنه‌های ویژه اخلاقی و انسانی در دهه اربعین، در راه‌های منتهی به کربلا در عراق، بسیار شگفتی‌آور است. لذا نباید از تفسیر این پدیده کلان فرهنگی و تمدنی غفلت کرد. از نظر ویل دورانت «تمدن، نظامی است اجتماعی که موجب تسریع دستاوردهای فرهنگی شده و به منظور بهره‌گیری از اندیشه‌ها، آداب و رسوم و هنر، دست به ابداع و خلاقیت می‌زند؛ نظامی است سیاسی که اخلاق و قانون، تکه دارنده آن می‌باشد و نظامی است اقتصادی که با تداوم تولید، پایدار خواهد ماند» (ویل دورانت، ۱۳۸۱، ج ۱،

ص ۵). ساموئل هانتینگتون، «تمدن» را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد (هانتینگتون، ۱۳۸۲، ص ۴۷). هنری لوکاس «تمدن» را پدیده‌ای به هم تنیده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را دربر می‌گیرد (لوکاس، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۷ و ۱۶).

بنابراین از کارکردهای مهم اربعین، شکل‌گیری اندیشه‌های تمدنی در دو لایه عمومی و تخصصی است. اربعین این ظرفیت را دارد که تفکر در مسیر پیاده‌روی و عقلائیت معرفتی و اخلاقی و اجتماعی در تعاملات را تقویت کند و محلی برای بارورسازی آن باشد و تحقق این مهم به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در نهادهای متولی احتیاج دارد. عشاق‌الحسین در اوج عشق و احساسشان، به آنچه می‌کنند آگاهی دارند و کاملاً فلسفه «حب‌الحسین» و کارکرد اجتماع حسینی را می‌فهمند و آن را در قالب شعارهای مختلف و متنوع مانند «حب‌الحسین یجمعنا»، «یوحنا حب‌الحسین» یا «عشیره‌الحسین فوق‌العشیره» برجسته می‌کنند و آن را نصب‌العین خود می‌سازند.

ب) تبلور آموزه‌های مذهبی و دینی: اربعین یکی از آیین‌های مهم است که در آن جامعه متدین و ارزش‌گرا تبلور می‌یابد. این آیین‌ها فرصتی برای ترویج دیانت اسلامی و فرهنگ و اندیشه شیعی است که جامعه‌سازی را دنبال می‌کند. آنچه در اربعین ابراز می‌شود، خواسته یا ناخواسته ارزش‌های شیعی تلقی خواهد شد. پس باید از هر گونه بی‌تدبیری و رفتارهای نابجا دور نگه داشته شود تا موجب وهن فکر و فرهنگ شیعی - اسلامی نشود. نباید از نظر دور داشت که آیین‌ها، تاریخ فرهنگی جوامع‌اند و اصرار بر حفظ آن، تأکید بر نگه‌داشت میراث فرهنگی است و دخل و تصرف در آنها، تحریفی در حوزه فرهنگ شیعی به شمار می‌رود.

ج) آشنایی با ظرفیت‌های گردشگری مذهبی: ظرفیت عظیم اربعین و حضور خیل گسترده زائران در برخی از مناطق و استان‌های کشور عزیزمان ایران، فرصتی ارزنده برای معرفی ظرفیت‌های گردشگری این مناطق به



دیگر نقاط کشور است و خود موجب اشتغال می‌شود. اربعین زمینه مناسبی برای ارتباطات فرهنگی میان مؤمنان از بلاد مختلف است. اربعین جایی است که همه شیعیان و دلباختگان به آستان حسینی دستاوردهای معنوی و الهی خود را با مردم دیگر تقسیم می‌کنند. این جریان هم‌افزایی و هم‌آوایی با اربعین عجین است و نباید آن را از اربعین بگیریم.

د) حیات بخشی به شیعه: مقوله اربعین، حیات بخشی به شیعه است و شیعیان با این رفتارها، نوعی یکسان‌پنداری و همراهی با سیدالشهدا ۷ دارند. فرزندان ما باید به شیوه‌های گوناگون با هویت مذهبی شیعی خود آشنا شوند و آن را در نهاد خود ریشه‌دار کنند. سوگواری سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله ۷ یکی از مؤثرترین رسومی است که به تبیین و ترویج معارف اسلامی و تقویت پایه‌های فرهنگ اهل بیت: در طول تاریخ یاری رسانده است.

مراسم پیاده‌روی اربعین که با حضور عاشقانه و خالصانه دوستان اهل بیت، فارغ از هر ملیت و زبان انجام می‌گیرد، یکی از بهترین فرصت‌های آشنایی و تعمیق روابط معنوی، سیاسی و فرهنگی شیعیان جهان است. این مراسم در قالبی ساده، ملایم و نرم و عاری از هر گونه خشونت و تعرض به دیگر فرق اسلامی، شیعیان را امتی مقتدر و باصلاحت معرفی می‌کند و ضمن به نمایش گذاردن مناسک شیعی، پیام وحدت، یکپارچگی و هوشیاری آنان را به دشمنان و بدخواهان می‌رساند. به جرئت می‌توان گفت، قسمتی از فرهنگ شخصی هر شیعه و بخش اعظم فرهنگ و تمدن اسلامی شیعی، از فرهنگ عاشورا نشئت گرفته است.

روح جمع‌گرایی (در جهانی که فردگرایی در آن غالب است)، تقویت ارتباطات و



مناسبات انسانی بر پایه محبت، صمیمیت، تلافی، ایثار، انفاق و تعاون، تألیف قلوب و تقویت روح اخوت و همدلی در پرتو ذوب انانیت‌ها و لغو همه تمایزات، اعم از قومی، ملی، شغلی، تحصیلی و... بخشی از کارکردهای اربعین حسینی است.

روابط انسانی در ایام اربعین، بر اساس ملاکات دنیوی و سنجه‌های ملیتی، سیاسی، طبقاتی یا قبیله‌ای شکل نمی‌گیرد؛ بلکه بر محور امری متعالی، معنوی و محبوب، به صورت نظام خدمت به زائر انجام می‌گیرد. در این نظام ارتباطی، هر کسی یا

زائرالحسین است یا خادم‌الحسین و خادم زائرالحسین. غیر از این دو، هویت و شناسنامه دیگری در این همایش بزرگ شناخته نمی‌شود. در مراسم اربعین امت اسلامی و بلکه امت انسانی و ایمانی، نظام ارتباطی خود را بر محور حسین بن علی ۸ بازتعریف می‌کند.

صورت‌بندی چنین امتی بر پایه معشوق و محبوب واحدی انجام می‌یابد که در آن، معرفت، مصیبت و حماسه امام حسین ۷ بر همه من‌ها و خودبینی‌ها غالب می‌شود و همه را به یک «ما» تبدیل می‌کند (وحدت اجتماعی بر پایه معشوق مشترک). علاوه بر

معشوق مشترک، عشق مشترک انسانی، موجب رقت و لطافت نفسانی و روحی افراد می‌شود و آنها را به هم مهربان‌تر و بلکه عاشق یکدیگر می‌کند (وحدت اجتماعی بر اساس عشق مشترک). آنچه جوهر و هسته مرکزی اربعین را شکل می‌دهد و آن را به

یک جامعه بهشتی در زمانه سکولار امروز تبدیل می‌کند، همین وجود یک «ما» از من‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و دینی بر محور یک هدف متعالی و محبوب است. همه من‌ها و خودبینی‌های سفلی در پرتو نور حسینی به یک «ما» و بلکه به یک

من‌گلی و علوی تبدیل می‌شوند که در آن به رغم وجود کثرات و تعدد و تنوع، تنازعی در کار نیست؛ بلکه هر مقدار بر این تعدد و تنوع افزوده می‌شود، همزیستی و همکاری و همدلی نیز در آن بیشتر می‌شود.

مناسک دینی مانند اربعین، گنجینه‌ای عظیم است که هر چند به ابعاد عبادی و معرفتی آن کمابیش توجه شده است، اما به ابعاد اجتماعی و سیاسی و اقتصادی



آن و جایگاه و ظرفیت‌های آن در مسیر تحقق تمدن اسلامی و تعمیق معارف دینی در جان مسلمانان توجه زیادی نشده است. این در حالی است که از یک سو تمدن لیبرال دمکراسی با داعیه تمدن پایان تاریخ به دنبال جهانی کردن خود است و مهم‌ترین چالش خود را در مسیر جهانی‌سازی، اسلام تمدنی می‌داند و از طرف دیگر با بیداری اسلامی بار دیگر زمینه تحقق امت اسلامی پدید آمده است و پرواضح است که در عصر حاضر برای پویایی و بالندگی این امت و مقابله تام و تمام با جهان کفر و الحاد راهی جز پیمودن مسیر تحقق تمدن اسلامی با تمام لوازم تمدنی آن پیش روی امت اسلامی نیست. لذا لازم است همه آموزه‌ها و ظرفیت‌های جهان اسلام با رویکردی تمدنی بازخوانی شود و نقشه‌ای جامع برای تحقق تمدن اسلامی طراحی گردد تا حرکت و پتانسیل جهان اسلام در مسیر واقعی خود قرار گیرد.

از محوری‌ترین و مهم‌ترین کارکردهای اربعین، جهت‌دهی و شکل‌دهی به تمایلات مؤمنانه و ایجاد محبت و همدلی بین امت اسلامی به منزله عنصر مهم و اساسی در شکل‌گیری تمدن اسلامی است. بر این اساس می‌توان تمایلات اجتماعی را یکی از عناصر مهم در شکل‌گیری تمدن اسلامی برشمرد و این ادعا با مطالعه تاریخی به خوبی قابل اثبات است؛ زیرا یکی از نقاط اساسی عزیمت از هر شکل تمدنی به شکل دیگر، تغییر در تمایلات، عاطفه‌ها و زیباشناسی اجتماعی است.

اربعین با خود گرایش و تمایل به ایثار و انفاق و گذشتن از منافع مادی و کسب اجر الهی و خشنودی اولیای الهی را به همراه دارد و رفتارها بر این اساس شکل می‌گیرد. در مواجهه با اربعین، نظام زیباشناختی جدیدی به محوریت قیام‌آب‌عبداللہ شکل می‌گیرد و بر همین اساس هنرهای تجسمی و ادبیات را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد

و بشر دل داده به افق ناسوتی حیات و زندگی سوداگرانه را متوجه افق ملکوتی و جنبه‌های متعالی زندگی می‌کند. این امر موجب می‌شود روح نظام سرمایه‌داری که بر محوریت خوش‌گذرانی و ثروت‌جویی و کسب درآمد است، مخدوش شود و نظام متعالی رخ نماید که محوریت آن با انفاق و ایثار و کرامت انسان و عشق به بهترین بندگان خدا شکل می‌گیرد. اندیشه‌های تمدنی براساس نظام گرایش‌ها و باورهای دینی و عقلانیت معرفتی برآمده از معارف و حیانی در قالب علم شکل می‌گیرد. اربعین به مثابه کنگره‌ای برای گردهمایی اقشار مختلف اجتماعی، که در پاره‌ای موارد حتی از چارچوب مذهب شیعه و دین اسلام فراتر می‌رود، می‌تواند ظرفیت‌هایی را که در شکل‌گیری اندیشه‌های تمدنی مؤثر است، فعال کند. این کنگره از سویی محملی برای انتقال معارف دینی و اجتماعی (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) است و می‌تواند به تولیدات اندیشه‌ای در لایه‌های بنیادین، راهبردی و کاربردی منجر شود و از سوی دیگر عرصه‌ای فراخ و پرمسئله در ابعاد مختلف علوم انسانی است؛ ظرفیت‌های اندیشه‌ای و دانشی که در اربعین و با توجه به پیچیدگی‌ها و درهم‌تنیدگی جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی بروز و ظهور می‌کند. نباید از نظر دور داشت که عراق، مهد یکی از تمدن‌های مهم در طول تاریخ بشر است و برنامه‌ریزی برای انتقال این معارف تمدنی و دانشی می‌تواند به استحصال ظرفیت‌های تمدنی راهپیمایی اربعین منجر شود. علاوه بر اینکه کنگره اربعین این ظرفیت را دارد که در برشوراندن تفکر در مسیر پیاده‌روی، نقش مهمی ایفا کند؛ ضمن اینکه مشاهدات و تأملات چند روز پیاده‌روی باعث افزایش تراکم معرفتی و اندیشه‌ای و تقویت عقلانیت معرفتی و اخلاقی و اجتماعی در تعاملات اجتماعی با اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف باشد. بی‌تردید تحقق این مهم نیازمند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی در نهادهای متولی است. دو



موسم اربعین و حج، به دلیل ایجاد هم‌دلی و فراهم

کردن زمینه‌های وسیع تعاملات اندیشه‌ای، می‌تواند زمینه مناسبی برای ایجاد این امر مهم باشد و کانون اصلی و مرکزی ایجاد هم‌فکری شود. باید از این فرصت طلایی به نحو احسن و بهینه استفاده کرد.

کارکرد تمدنی دیگر اربعین جهت‌دهی به سبک زندگی اسلامی و نزدیک کردن فرهنگ‌های مختلف به فرهنگ اصیل اسلامی است. اربعین می‌تواند مؤثرترین عامل مبادله فرهنگی و فکری، و محلی برای هم‌افزایی عناصر سازنده سبک زندگی و فرهنگ اصیل اسلامی در همه زمینه‌های زندگی باشد. نمایندگان و رهبران مذاهب اسلامی باید با استفاده از این فرصت، آثار، اخبار و سیره پیامبر خدا را در زمینه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی بازگو کنند تا در این فرصت زندگی جمعی، که اشتراک در همه ساحات زندگی به وجود می‌آید، الگوهای خوب تربیتی شکل بگیرد و از بدعت‌ها گذر، و تقید به سنت‌های حسنه، بیشتر شود.

آنچه در همایش اربعین رخ می‌دهد، هم از نظر ایمانی و هم حبی و عشقی، کارکردهای تمدنی دارد. اربعین از یک‌سو حرکت و تمرینی ایمانی است که موجب افزایش ایمان می‌شود و نظام مناسبات انسانی را تنظیم می‌کند و در نتیجه باعث عمران و آبادانی جامعه مسلمین می‌شود. از سوی دیگر، در اربعین، با تأکید بر یک محبوب واحد، محبتی نسبت به همدیگر به وجود می‌آید و نظام مناسبات انسانی به شکل درستی سامان می‌یابد. صورت‌بندی چنین جامعه‌ای بر پایه معشوق و محبوب واحد باعث می‌شود «من»ها رنگ ببازند و همه به یک «ما» تبدیل شوند؛ یعنی وحدت اجتماعی بر پایه معشوق مشترک (بابایی، ۱۳۹۱، ص ۷-۲۴).

ه) کارکردهای دینی و تربیتی: از کارکردهای فرهنگی اربعین، آثار تربیتی آن است. فرهنگ زیارت، علاوه بر ثواب‌هایی که در احادیث برای زائران ائمه بیان شده، کارکردها و آثار تربیتی نیز به همراه دارد. از جمله فواید تربیتی زیارت می‌توان به این مسائل اشاره کرد: افزایش معرفت زائر و آموختن معارف دینی از خلال زیارتنامه‌ها، آشنایی با مقام امامان و تحکیم رابطه ولایی بین انسان با اولیای خدا، ارائه الگویی مناسب برای جامعه، زمینه‌سازی فضای مذهبی حرم‌های امامان و مزارها برای ترک گناهان و کسب فضائل.

اربعین حسینی پمپاژکننده معنویت و ایمان در عصر جاهلیت و ضلالت است؛ همان‌طور که در زیارت اربعین می‌خوانیم: «لِیَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیْرَةِ الصَّلَاةِ»؛ [امام حسین ۷ آمد] تا مردم را از جهالت و ضلالت نجات دهد. به تعبیر آیت‌الله جوادی آملی، امام حسین ۷ انسان را از جهالت، یعنی از نادانی و گمراهی تئوریک، و از حیرت ضلالت، یعنی از گمراهی عملی نجات دادند.

اگر بشر از حیث تئوریک به نظریه‌های سالم، و از حیث عملی به کارکردهای درست دست یابد، می‌تواند به هدایت، سلامت و آرامش برسد و اربعین برای این است که در عصر جاهلیت تئوریک و ضلالت کارکردی، بشر را به ایمان برساند و بنابراین اربعین نشان مؤمن است.

نتیجه مراسم باشکوه اربعین حسینی با حضور ملیت‌ها و مذاهب مختلف، کارکردهای بسیاری دارد که اندیشمندان ایرانی معاصر، برخی از این کارکردها را مطرح کرده‌اند. از کارکردهای سیاسی مراسم پیاده‌روی اربعین می‌توان به اقتدار



آفرینی در سایه وحدت، نمایش امنیت عراق، وحدت بخشی به جهان اسلام، تقویت مناسبات میان ایران و عراق، پاسداشت یاد و خاطره امام حسین ۷، تقویت هویت شیعی و زنده نگه داشتن و تقویت روح جمعی، و نیز استمرار مبارزات ائمه اطهار: در میان امت، احیای روحیه انتقام از ستمکاران با تبیین ظلم‌هایی که بر ائمه اطهار: و پیروان آنها در طول تاریخ رفته است، اشاره کرد. از کارکردهای اجتماعی اربعین حسینی نیز می‌توان موارد ذیل را برشمرد: انسجام اجتماعی (تقویت روح جمع‌گرایی)، تألیف قلوب و تقویت روح اخوت و همدلی در پرتو ذوب خودبینی‌ها و لغو تمایزات قومی، ملی و...، تقویت ارتباطات و مناسبات انسانی بر پایه محبت، صمیمیت، تلافی، ایثار، انفاق و تعاون. از کارکردهای فرهنگی نیز می‌توان به همایش حرکتی فرهنگی، جهت‌دهی و شکل‌دهی تمایلات مؤمنانه، آشنایی با ظرفیت‌های گردشگری مذهبی و تبلور آموزه‌های مذهبی و دینی اشاره کرد.

گریه انبیای الهی بر مصائب کربلا

در روایات رسیده از اهل بیت (ع) آمده که جبرئیل امین از همان زمان حضرت آدم (ع) از سوی پروردگار مأموریت یافت که حضرت سیدالشهدا را به حضرت آدم (ع) و همه انبیای الهی بشناساند و حادثه کربلا را به صورت مختصر برای آنها بازگو نماید. امین وحی نیز تمام پیامبران را از این واقعه آگاه نمود و همه آنها بر مصائب این امام مظلوم گریستند.

گریه ارض و سما بر امام حسین (ع)

البته تنها پیامبران الهی بر مصائب جانسوز کربلا نگریستند، بلکه اهل بیت (ع) هم در زمان ولادت امام حسین (ع) اشک ریختند و اندوهگین بودند. گریه بر آن حضرت هیچ‌گاه و

در گذر زمان رنگ نباخته و کمرنگ نشده است و همواره دل‌های عاشق و مؤمن در رثای او گریه کرده و به سوگ نشسته‌اند. وقایع کربلا و شهادت این امام و یاران ایشان به قدری سخت، غم‌انگیز و جان‌گداز بوده و هست که به فرموده امام زین‌العابدین (ع)، تمام موجودات ارضی و سماوی بعد از حادثه عاشورا برای آن حضرت گریستند؛ از همین امر نیز واضح و مبهرن است که گریه بر ایشان و حوادث جانسوز کربلا موضوعیت و قطعیت دارد و لذا از فرمایشات حضرت امام رضا و بعضی از ائمه (ع) می‌توان دریافت که گریه بر حضرت واجب است و نه مستحب. روایات بسیار مهمی در این باره بیان شده که معتبرترین کتاب‌های ما - شیعه و غیر شیعه - نقل کرده‌اند.

سفارش ائمه (ع) به زیارت کربلا

آنچه که پس از گریه بر مصائب آن حضرت حائز اهمیت است و اولویت دارد، زیارت حضرت حسین (ع) است. امامان معصوم (ع) نسبت به زیارت امام حسین (ع) و یاران ایشان دستور اکید داده‌اند و سفارشات را به مؤمنان و عاشقان مکتب اهل بیت داشته‌اند. در این سفارشات آمده است: آنان که توان زیارت حضرت را دارند، فرقی نمی‌کند که در کدام نقطه از این کره خاکی زندگی می‌کنند، حتی اگر یکبار در طول عمرشان باشد، به زیارت این امام شهید بروند؛ و چنانچه برای آنها میسر است، در سال به دفعات بروند و ایشان را زیارت کنند.

همچنین در این روایات به ثواب عظیم زیارت قبر امام حسین (ع) و یاران آن حضرت به تناسب مکلفین اشاره شده است. در برخی روایات چنین ذکر شده است: ثواب هر قدمی که زائر امام حسین (ع) از منزل خود تا حرم ابی‌عبدالله (ع) برمی‌دارد، حال هر مقدار فاصله که بین منزل و حرم باشد، با ثواب



اربعین حسینی

برخی روایات نیز نود حج و عمره قبول شده و یا هزار حج و عمره قبول شده آمده و این اختلاف روایات به تفاوت معرفت و ظرفیت زائر بستگی دارد. گاهی زائر حرم آن حضرت از امامان معصوم (ع) است و گاهی مؤمنی با درجه والای معرفتی و گاهی نیز مؤمنی با درجه پایین تر ایمانی؛ لیکن نکته مهم و درخور توجه، سفارش و تأکید نسبت به سفر به کربلا و زیارت قبر ایشان است، نه اینکه امام را در منزل خود و با خواندن زیارت نامه آن حضرت زیارت کنیم. درحقیقت، مقصود ائمه زیارتی است که موجب زنده نگه داشته شدن این حادثه جانسوز و دلخراش در ظرف جهان باشد. این سفارشی نیست که تنها به زمینیان شده باشد و انسانها به آن فرمان یافته باشند، بلکه در کتاب «کامل الزیارات» آمده است که هر شب هفتاد هزار فرشته به امر خداوند متعال، در اول غروب به زیارت حرم حضرت می آیند و در اول فجر به عرش بازمی گردند. تعداد فرشتگان عرش الهی به قدری زیاد است که تا روز قیامت، فقط یکبار توفیق زیارت حرم ابی عبدالله (ع) نصیب آنان می گردد.

زیارت اربعین در روایات

اما آن زیارتی که پیغمبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) به آن مکرراً و مؤکداً سفارش کرده اند، زیارت امام حسین (ع) در چهلمین روز شهادت آن حضرت و یاران باوفای ایشان است. زیارتی که سالهاست مردم با شور و حرارت بسیار در اربعین انجام می دهند. به راستی که این شور و حال زیارت در این روز و جمعیت گسترده مردم به خواست و هدایت پروردگار متعال صورت گرفته و چنین گردهمایی در تاریخ بشر و بر

روی کره زمین بی سابقه است. اجتماعی خاص و منحصر به فرد با هدفی معنوی و الهی که نظیری را برای آن در هیچ نقطه ای از دنیا نمی توان یافت. این جمعیت میلیونی هر ساله از سراسر جهان در کربلا گردهم آمده و مردمان این سرزمین چه مهمان نوازی

هستند و چه زیبا از زائران امام حسین (ع) پذیرایی می کنند؛ به گونه ای که هیچ زائری بدون پذیرایی نخواهد ماند و در این خصوص نگرانی ندارد. بسیاری از ساکنان این سرزمین مقدس، خودشان تمکن مالی چندانی ندارند و در زندگی خویش با مشکلاتی مواجه هستند؛ اما اینان در طول سال، مقداری از پولشان را برای زائران اربعین ذخیره کرده و در این روزها از مهمانان ویژه ابی عبدالله (ع) پذیرایی می کنند.

زوار اربعین حسینی، مبلغان دین الهی

حقیقتاً افرادی که به این شکل به پیاده روی اربعین می روند و آنان که به این گروهها خدمت می کنند، دین الهی را در پرتو وجود ابی عبدالله (ع) تبلیغ می نمایند. شور و اشتیاق مردم در زیارت اربعین به جایی رسیده که چندسالی است ادیان گوناگونی مانند مسیحیان، زرتشتیان، و حتی گروهی از اهل تسنن نیز بدان جذب شده اند و هر ساله خود را در روز اربعین حسینی به کربلا می رسانند. یقیناً اینان از ثواب زیارت امام حسین (ع) بی بهره نخواهند بود و چه بسا همین آمدن ها موجب آشنایی با دین حقیقی خدا باشد و امید است که روزی در پرتو حضورشان در اربعین حسینی در زمره پیروان مکتب اهل بیت (ع) قرار گیرند.



این کسب است که برین

قتلگاه امام حسین (ع)، محل معراج ملکوتیان



خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»؛ منزّه و پاک است آن [خدایی] که شبی بنده اش [محمد(ص)] را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد تا [بخشی] از نشانه های [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهد؛ یقیناً او شنوا و داناست» (سوره اسراء، آیه ۱).

طبق این آیه و نیز سوره مبارکه نجم، همانا معراج عوالم بالا برای انسان کامل و خلیفها لله الاعظم رخ داده که در بین زمینیان می زیسته است؛ اما روایتی از امام صادق (ع) در «کامل الزیارات» نقل شده که این کتاب از معتبرترین کتب در ۱۲۰۰ سال گذشته است، ایشان در این روایت فرموده اند: همانا حسین ما قتلگاه خود را به معراجی برای ملکوتیان مبدل کرد. تنها یک نفر از اهل زمین به معراج رفت که رسول گرامی اسلام (ص) بود، ولی هزاران هزار فرشته و ملک مقرب الهی از عالم ملکوت برای معراج به زیارت حرم ابی عبدالله (ع) می آیند.



این کتاب چیست؟

معرفی کتاب

عمود هزار و چهار صد

نویسنده: علی اکبر والایی / نشر احیا- ۱۳۹۶

اول چیزی که نظر خواننده را جلب می کند، متن ادبی و احساسی این سفرنامه است. نویسنده هر جا مجالی یافته، از توصیفات ادبی و جذاب استفاده کرده است. داستان با یک خبر آغاز می شود. نویسنده خبری می شنود با این محتوا که ۴۰ مرد روستایی برای سفر ثبت نام کرده اند و آماده حرکت در مسیر پیاده روی نجف تا کربلا هستند. این خبر جذاب نظرش را جلب می کند و کنجکاو می شود تا او هم پیاده در این مسیر پا بگذارد و این شوق عجیب را از نزدیک ببیند. برات این سفر را هم از سلطان طوس می گیرد: «میان خیابان با سه جوان که بر گه‌هایی در دست دارند و گرد یک موتورسیکلت ایستاده‌اند مواجه می شوم. یکی شان می پرسد: حاجی! به سلامتی شما هم راهی کربلا هستید؟ لحظه‌ای توقف و نگاه‌شان می کنم. لهجه آذری دارند؛ می گویم: نخیر! گویی قسمت نشده بروم.

نمی پرسند که کارت چطور شده است. یکی شان که جاافتاده تر است و ریش پری به صورت دارد، می گوید: نه این طور نیست. اگر خودتان بخواهید، هنوز هم فرصت هست. ... می پرسم: چطور؟ می گوید ما هر سال مسافر کربلا هستیم؛ همین امروز هم راهی هستیم که برویم. شما با ما می آید برویم؟



ابن کثیر حیات

از این پیشهاد یکه می خورم و می گویم من ویزا ندارم. همان مرد می گوید شما کاری نداشته باش... (فصل طریق کربلا) «این سفرنامه ۶ فصل دارد:

1) طریق کربلا که قصه طلبیده شدن نویسنده است. ۲) طریق جواز سفر، به ماجرای گذر از مرز می پردازد. ۳) طریق عمود ذوالفقار، داستان رسیدن به خاک افلاکی نجف است. ۴) مشایعت طریق جان، آغاز از عمود یکم، شرح حال موبها و... ۵) طریق قبله العباس، طریق قبله الحسین، شرح رسیدن به کربلا. ۶) طریق رجعت که قصه وداع است و بازگشت. انتهای کتاب نیز مزین به تصاویر سفر و نقشه راه است.

سفر عشق

نویسنده: رضا احسانی / نشر سدید-۱۳۹۳

این کتاب به حر بن یزید ریاحی تقدیم شده است. فصول آن مزین به آیات قرآن است و متنش آراسته شده به ایات و اشعار شاعران. مقدمه کتاب از هبوط آدم ابوالبشر، سخن را می رساند به قیام حضرت امام حسین علیه السلام. این کتاب نیز از متنی ادبی بهره برده است. قصه از بیست و پنجم آذرماه سال ۹۲، در یک عصر پاییزی دلگیر خیابان ولیعصر شروع می شود. تلفن نویسنده زنگ می خورد و او دعوت می شود به عنوان سفرنامه نویس، در کاروان پیاده روی اربعین حضور داشته باشد. آغاز بهار در خزان... گیج و مبهوتیم. رفیق شفیق از شادی در پوست خود نمی گنجد و از طلبیده شدن توسط حضرت و اینکه این همان بهاری است که می خواستم سخن می گوید. من اما ساکتیم و حیران. به او خیره شده ام و زیر لب تکرار می کنم: کربلا، کربلا، کربلا...»

کتاب چهار بخش دارد که هر بخش شامل سه فصل می شود. بخش نخست آن، ناسوت نام دارد که به سه قسمت آمادگی برای دلدادگی، در قفس افتادگی و از نفس افتادگی تقسیم می شود.



بخش دوم که نامش ملکوت است نیز به سه فصل خاطرات و مخاطرات، آه و نگاه، سرشت و سرنوشت؛ بخش سوم آن یعنی جبروت نیز سه قسمت دارد با عناوین عین مثل عقل، عین مثل عشق و عین مثل عباس؛ بخش آخر نیز لاهوت با سه قسمت به نام های پروانگی، دیوانگی و جاودانگی است.

پیاده آمده ام

علاقه مندان به عکس و تصویر نیز می توانند با تورق این سفرنامه تصویری که به همت نشر سوره مهر، در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است، با پای دل در میان خیل زائران اباعبدالله علیه السلام، راهی این پیاده روی شوند. این کتاب، مجموعه ای است از عکس هایی که در سال های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ از راهپیمایی زائران اربعین گرفته شده است. بعد از مقدمه ای که سیداحسان باقری از شیوه گردآوری این عکس ها به نگارش در آورده، مختصری درباره زیارت اربعین در این کتاب نوشته شده است و بلافاصله عکس ها آغاز می شوند. در میان عکس ها مطالب ادبی متناسب با حال و هوای عکس های آن صفحه به تقریر در آمده است. مطالبی که گاه با روایات ائمه معصوم علیهم السلام گره خورده است.



فهرست منابع

مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.
 مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۲.
 شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت وارث.
 پایگاه حفظ نشر و آثار آیت الله خامنه ای.

بابایی، حبیب الله (۱۳۹۱). «اخوت انسانی و پیامدهای آن در عرصه جهانی»، مجله اسراء، شماره ۱۳.
 جمشیدی‌ها، غلامرضا و قبادی‌علیرضا (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه‌شناختی از مراسم و مناسک دینی با تأکید بر مراسم عاشورا»، مجله تاریخ اسلام، شماره ۳۰.
 جهانگیری سهروردی، یحیی، قم، خبرگزاری شبستان.
 حسینی درمیان، غلامرضا، همایش بررسی تربیتی و روان‌شناختی پیاده‌روی اربعین، مشهد، دانشکده علوم تربیتی و درون‌شناختی، دانشگاه فردوسی مشهد.
 دورانت، ویل (۱۳۸۱). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
 ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۸۱)، «جایگاه شاعر مذهبی در حرکت احیای دینی امام خمینی»، فصلنامه حضور، شماره ۳۹.
 لوکاس، هنری (۱۳۶۶). تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، آذرنگ.
 مؤسسه دیده‌بان (۱۳۹۴)، حمله وهابیون به پیام عاشورا در آستانه اربعین حسینی، مؤسسه راهبردی دیده‌بان، ۱۳۹۴/۸/۲۵.
 نصر، حسین (۱۳۸۲). برخورد تمدن‌ها و سازندگی آینده بشر (نظریه برخورد تمدن‌ها، هانتینگتون و منتقدانش)، ترجمه و ویراسته مجتبی امیری، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

